



مروری بر یک نسخه خطی دوزبانه فارسی - ترکی از دوره صفویه

آنا دردی عنصری*

مقدمه

چندی پیش که به رسم معمول در میان قفسه‌های کتابخانه عمومی گنبد کاووس به کتابگردی مشغول بودم به مجموعه مجلدات بیست و چندگانه فرهنگ ایران زمین برخورددم. در ضمن تورق جلد ۱۸-۱۷ در فهرست مطالب کتاب، نگاهم بر عنوان «تحفة العشاق، یک نسخه دست‌نویس ترکی» متوقف شد. در مقدمه کوتاه گردآوردندگان کتاب آمده است:

«... از تحفة العشاق نسخه دیگر نمی‌شناسیم. به مناسبت آن که منحصر به فرد و از حیث خط و ضبط کلمات واجد دقت و تلفظ خاص کاتب و ضمناً ترجمه ترکی هر جمله هم زیر سطور مندرج است، به صورت عکسی در این صحایف چاپ می‌شود.»^۱

کتابچه تحفة العشاق که به تصریح گردآوردگان مربوط به قرن دهم هـ ق است، علاوه بر «منحصر به فرد بودن» به گمانم یک امتیاز دیگر نیز دارد و آن امتیاز زبان آموزی است. اتفاق بدیعی است که در قرن دهم هجری شاهد نگارش جزوه‌ای دوزبانه با هدف آموزش زبان هستیم. کتابچه به زبان فارسی

نوشته شده و پس از حمد و ثنای خدای، عزّ و جلّ، و فرستادن صد هزار صلوات بر خاتم انبیا، محمد مصطفی (ص)، و درود بر آل و اصحاب و همه محبّان پیامبر، نویسنده ناشناس مقصود خود را از نگارش کتاب چنین بیان می‌کند که: «چندان الفاظ مرکبات بر زبان فارسی یاد کردم * چنان که مردم نازک مزاج * به زبان فارسی آموختن هوس کنند»^۲

ذیل هر جمله و عبارت فارسی نیز ترجمه ترکی آن را آورده است. ظاهراً برای این که در قرائت و فهم ترجمه ترکی مرکبات فارسی برای خواننده مشکلی پیش نیاید ابتدا و انتهای هر جمله و عبارت را با دایره‌ای مرزبندی کرده است:

* تا هر که به زبان فارسی * عاشق شود محروم نباشد * کجا می‌روی * به خانه می‌روم *^۳

* تا هر که فارسی دلنه * عاشق اوله محروم قلمایه * قنجه کدرسن * اوه کدرم *

آن‌طور که نویسنده ناشناس در مقدمه کوتاه کتابچه بیان می‌کند، هدف از نگارش متن، آموختن زبان فارسی به زبان آموزان است. در ادامه متوجه می‌شویم که این زبان آموزان،

* پژوهشگر متون تاریخی - گنبد کاووس.

۱. دانش‌پژوه، محمدتقی؛ ستوده، منوچهر و دیگران، فرهنگ ایران زمین، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: سخن، ۱۳۸۵، جلد ۱۷-۱۸ صص ۱ تا ۲۶.

۲. تحفة العشاق، ص ۳.

۳. همانجا.



مردم ترک‌زبان‌اند که عاشق آموختن زبان فارسی‌اند. از دیدگاه پژوهش زبان‌شناختی مهم است که بدانیم اثر در کدام منطقه جغرافیایی تألیف شده است. اگر چه نویسنده ناشناس در ضمن مطالب به سرزمین مسکونی خود اشاره‌ای نمی‌کند، از قرائن چنین پیداست که این سرزمین در درجه اول «ترک‌زبان» است و زبان فارسی در آن چندان رایج نبوده اما زبانی است شناخته. شاید دلیل اشتیاق مردم به آموختن زبان فارسی وابستگی سیاسی-اداری به حکومت مرکزی ایران باشد. می‌دانیم که در قرن دهم هـ ق صفویان حکومتی متمرکز در ایران تأسیس کردند. با این که نسخه دست‌نویس تحفة‌العشاق در شیراز یافت شده اما بعید است که مکان نگارش آن شیراز بوده باشد. درست است که شیراز و حومه آن از دیرزمان مسکن قشقایی‌های ترک‌زبان بوده است ولی به دلایل ذیل محل نگارش جزوه نمی‌تواند شیراز باشد:

۱. شیراز در مرکزیت فرهنگی ایران و مهد زبان فارسی است.
۲. به نظر می‌رسد از جنبه مذهبی، فضای حاکم بر روح کتابچه مبتنی بر اعتقادات اهل تسنن باشد.
۳. قواعد نگارشی مفردات ترکی به میزان زیاد مبتنی بر اصول رایج مکتوبات ترکی دوره عثمانی است.
۴. در متن، صحبت از «تکیه» و «سماع» می‌رود.
۵. «آقچه» ذکر شده در متن وجه رایج سرزمین‌های عثمانی است.
۶. تعدادی از واژه‌های آمده در متن، در فرهنگ‌های قدیم^۴ با صفت «رومی» ذکر شده است. «روم» یکی از نام‌های قدیم سرزمین ترکیه فعلی بوده است.

بررسی زبان‌شناختی متن

به دلایل کاملاً روشن می‌توان گفت زبان ترکی به کاررفته در متن به گروه ترکی جنوب غربی یا اغوزی تعلق دارد. از یک سو نشانه‌ها و عناصر ترکی شرقی (جغتایی) مثل «غان»، «گن» و «ایردی» در متن مشاهده نمی‌شود؛ از سوی دیگر نشانه‌ها و عناصر ترکی جنوب غربی یا اغوزی جابه‌جا در متن مورد استفاده قرار گرفته است. آقچه، گیده‌لیم، کندو، اوت و... مفردات متعلق به دستگاه واژگانی ترکی جنوب غربی

(اغوزی) هستند.

در حال حاضر زبان‌شناسان ترکی‌پژوه، گروه ترکی جنوب غربی (اغوزی) را به دو شاخه غربی و شرقی تقسیم می‌کنند. شاخه غربی را ترکی آذری و ترکی استانبولی نمایندگی می‌کند و نماینده شاخه شرقی، ترکی ترکمنی است.^۵ پرسشی که پیش می‌آید این است که: ترکی به کار رفته در متن، مربوط به کدام شاخه ترکی جنوب غربی (اغوزی) است؟ شاخه غربی یا شاخه شرقی؟ شواهد واژگانی موجود در متن ظاهراً حاکی از تعلق متن به شاخه غربی است. مفرداتی که در بالا آمد و مفرداتی از قبیل گرو، بوندان، بیگ، اصم‌لرم، تیزوار، اولوب. همگی دلالت بر تفوق شاخه غربی دارند.

در مقابل، شواهدی در متن وجود دارد که این دریافت را مورد تردید قرار می‌دهد. این شواهد، یا نشانه‌های واجی‌اند یا نشانه‌های واژگانی، یا نشانه‌های معنایی و یا ترکیبات. نشانه‌های یادشده که ذیلاً احصاء خواهد شد تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد در دستگاه واژگانی ترکی امروزی آذری و استانبولی وجود ندارند، اما در ترکی ترکمنی (شاخه شرقی) هنوز متداول و رایج‌اند. این نشانه‌ها عبارتند از:

الف. نشانه‌های واجی مانند: نون غنه (گ) در مثال‌های صگره / songra / تگری / Tangri / آنلر وگ. Anlarung. کوگل / köngül

ب. نشانه‌های واژگانی: قنده kanda، بتی [نامه، مکتوب] BiTi، کمسنه kimisne، قوشلوق Guşluk، اومه Öwme، یرمز yaramaz، آیدجلر aydırcılar، اسنلیک. Esenlik.

ج. نشانه‌های معنایی: مصلحت به معنی پیشنهاد؛ صحبت به معنی عیش و بزم؛ سازنده به معنی نوازنده. همه این کلمات در ترکمنی امروزی-ادبی و محاوره‌ای- به همین معانی استعمال می‌شود.

ترکیبات: وارمدیر (varmıdır)؛ اوقودوگ می؟ (okudungmı). اولیه نماز (öyle namaz). کچجک اولمدر (kiçicik ölümdir)، اقرسو (akar su). جمعه مسجد، کوگل جمع ایله‌مک. (Köngülcem eylemek). انگنگن گذر مه (Egning den Giderme). حرمتگ صقله (HormaTıng) (sakla).

۴. استرآبادی، ۱۳۸۸: ۲۷۵-۲۱۵.

5. Dil , Dillar ve Dilcilik . A . Dilaçar . T. D . K. yayımları . sayı . 263 Ankara . 1968 . s 90



بنابراین با وجود شواهد متنوع اخیرالذکر آیا باز هم می‌توان متن را متعلق به شاخه غربی دانست؟ به خصوص که من نتوانستم واژه‌های قنده، بتی، یرمز، آیدجی، اسلک را در فرهنگ اختری کبیر پیدا کنم.

بر این باورم که به آغاز گاه بحث ایراد روش شناختی وارد است. می‌دانیم که تقسیم‌بندی ترکی اوغوزی به دو شاخه غربی و شرقی، نظری بوده که در قرن بیستم از سوی زبان‌شناسان ترکی‌پژوه و مبتنی بر شواهد زبانی در زمانی مطرح شده است. آیا این تقسیم‌بندی را می‌توان بر زبان ترکی جنوب غربی (اوغوزی) رایج در قرن دهم هـ. / شانزدهم م. تسری داد؟

ورود در دقائیق این بحث از جهات علمی شریاطی را می‌طلبد که راقم سطور خود را فاقد آن می‌داند، اما اگر متن کتابچه را بخواهیم به عنوان یک متن واقعی و مستند زبان ترکی جنوب غربی (اوغوزی) از جهات مختصات زبان‌شناختی بررسی کنیم، به نظر می‌رسد که متن خود با زبان بی‌زبانی به ما می‌گوید که از دیدگاه سازه‌بندی نحوی و واژگانی مربوط به دوره‌ای است که ترکی جنوب غربی هنوز یکپارچگی و انسجام جلی خود را تا حدود زیادی حفظ کرده بوده و هنوز فرآیند تأثیر شرایط جغرافیایی و سیاسی و مذهبی در جریان بوده و تا رسیدن به مرحله پایانی یعنی شکل‌بندی نهایی واریانتهای ترکمنی، آذری و ترکیه‌ای فاصله داشته است. شاید بتوان گفت که ترکی جنوب غربی در قرن دهم هـ. / شانزدهم م. دوره گذار را طی می‌کرده است که در جریان این گذار با استقرار حاکمیت سیاسی صفویان با ویژگی‌های یک دولت ایرانی شیعی، ضمن فاصله‌گرفتن از شرق ترکی - سنی ماوراء خزر و غرب ترکی - سنی آناتولی و گسستن تدریجی ارتباطات فرهنگی و زبانی با حوزه‌های جغرافیایی یادشده، فرآیند رو به رشد انفکاک در گروه ترکی جنوب غربی را تشدید کرده باشد. البته این بحث نیازمند پژوهشی تطبیقی و دامنه‌دار متکی به اسناد و آثار دست اول ترکی در دوره زمانی مورد نظر است که از حوصله این مقال خارج است.

ترکیبات صاترسنگ (saTarsing)، صامتزرنگ (saTmazsing)، وریین (vereyin)، قندن گلورسن (kandan gelürsen)، گلورن (Gelürin)، آنلروگ (Anlarung)، اویله نماز (öyle namaz) و... وجه اول یا

شرقی ترکی اوغوزی را تشکیل می‌دهد. دو کلمه «کرسته» (kerseTe) به معنی مواد و مصالح ساختمان و بنا و دکل / دکلی (Dügelı) به معنی جمیع و همه، در فرهنگ سنگلاخ مشخصاً با صفت «رومی» ذکر شده‌اند و از جهت حوزه جغرافیایی مربوط به سرزمین‌های غربی اوغوزان در قرن دهم هستند و قواعد املائی مفردات ترکی در متن نیز دقیقاً مبتنی بر اصول رایج در املائی کلمات در دوره عثمانی می‌باشد؛ مثل ضبط بعضی کلمات به اشکال صگره، (Songra)، طشره، (Taşra)، صو، (su)، بگا، (banga)، صغر، (sağır)، صغش، (sağış) که عیناً در فرهنگ اختری کبیر متعلق به قرن دهم نیز آمده است و دلالت بر وجه دوم (غربی) ترکی اوغوزی دارند. نگارنده بر این باور است که کتابچه تحفة العشق در دوره‌ای تألیف شده است که شاخه‌های دوگانه ترکی جنوب غربی در حال تکمیل و جوه ممتازه زبان شناختی خود به ویژه در حوزه واجی و واژگانی، به سر می‌برده‌اند و به دلیل این که این فرآیند هنوز کاملاً به مرحله نهایی نرسیده بوده، شاهد حضور مختصات دوگانه ترکی اوغوزی به عنوان یک بافت یکپارچه زبانی در این کتابچه هستیم.

در پایان، ضمن ادای احترام به کار ارزشمند اساتید گران‌قدر، متأسفانه شماره‌گذاری صفحات کتابچه به صورتی که در کتاب آمده دارای ایراد است. بعضی صفحات، ادامه صفحه قبل خود نیست و چند صفحه جابه‌جاشده است. صفحات جابه‌جا شده از این قرار است:

۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱

شایسته می‌بود اساتید بزرگوار در هنگام چاپ کتاب، متن دست‌نویس را به یک کارشناس ترکی‌دان می‌سپردند تا کتاب به شکل منقح‌تر و پیراسته‌تر چاپ می‌شد. به هر حال این نقیصه چیزی از ارزش کار کم نمی‌کند.

کتابنامه:

- استرآبادی، میرزا مهدی‌خان، ۱۳۸۸؛ فرهنگ سنگلاخ (خلاصه عباسی)، چاپ نخست، به کوشش حسین محمدزاده صدیق، تبریز: نشر یاران.
- قره‌حصاری، مصطفی بن شمس‌الدین، ۱۳۱۰ هـ ق، فرهنگ اختری کبیر، استانبول: مطبعه عامره.

ع. نک: قره‌حصاری، ۱۳۱۰ هـ ق.



